قدس زندگی

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۴ رمضان ۱۴۴۱ | ۱۸ می ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۲۴۹ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

نیم نگاهی به شیوه آموزش مکاتبه‌ای نقاشی برای کودکان

بازدید از یک نمایشگاه نقاشی پس از ۲۷ سال

۱۲

نگاهی به آخرین حواشی کرونا در جهان

از «کاوازاکی» تا «جهش ژنتیکی»

روایت اول

یک فرمول جدید برای مهار کرونا

قدس زندگی طولانی شدن قرنطینه در سرتاسر جهان به قدری برای دولت‌ها مشکل ایجاد کرده که خیلی‌هایشان، بی‌خیالِ هشدارهای پزشکی شدند و با تشخیص خودشان، شروع به رفع محدودیت‌های مربوط به قرنطینه کرده‌اند. کارشناسان هم اگرچه تا چند صباح پیش، دائم دولت‌های مختلف را برای پایان دادنِ غیراصولی به قرنطینه زیر فشار می‌گذاشتند، حالا به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه قرنطینه بیش از این امکان‌پذیر نیست و همه کشورها باید دیر یا زود، به شرایط عادی خودشان برگردند. اما در این میان امکان دارد رفع محدودیت‌های قرنطینه منجر به بروز یک فاجعه گسترده و شیوع موج دوم کرونا در جهان شود. به همین خاطر مدتی است که کارشناسان و پژوهشگران، به دنبال راهی می‌گردند تا علاوه بر بازگرداندن شرایط کشورها به حالت عادی، خطرات ابتلای مردم به ویروس کرونا هم تا حدامکان کاهش پیدا کند.در میان تمام پیشنهادهای ریز و درشتی که تا امروز در این‌باره ارائه شده، پیشنهاد محققان نیویورک تایمز، بیش از دیگران به تأیید متخصصان رسیده است.

محققان نیویورک تایمز می‌گویند ویروس کرونا یک دوره نهفته دارد. یعنی یک تأخیر سه روزه وجود دارد میان زمانی که فرد به ویروس مبتلا می‌شود و زمانی که این فرد می‌تواند دیگران را آلوده کند. آن‌ها بر اساس همین نقطه ضعف، این مدل مهار کرونا را پیشنهاد کرده‌اند: مردم در یک چرخه دو هفته‌ای کار خود را از سر می‌گیرند. در این دو هفته، چهار روز سر کار حاضر می‌شوند و سپس ۱۰ روز خود را در خانه قرنطینه می‌کنند. دلیل انتخاب چهار روز این است که افراد در این روزها ممکن است به ویروس مبتلا شوند، ولی احتمالاً نمی‌توانند دیگران را مبتلا کنند. سپس در آخر این چهار روز، زمانی که قابلیت مبتلا کردن دیگران را به دست می‌آورند، خود را به مدت ۱۰ روز در خانه قرنطینه می‌کنند.

به این ترتیب ۱۴ روز دوره نهفتگی ویروس کرونا به پایان می‌رسد و اگر فرد مبتلا باشد، بدون مبتلا کردن دیگران، متوجه آلودگی خود خواهد شد. البته این فرمول در صورتی پاسخ می‌دهد که جمعیت به دو گروه خانوار تقسیم شوند که به طور متناوب در هفته‌ها سر کار بروند.

اتریش نخستین کشوری است که این فرمول را اجرا می‌کند. از روز ۱۸ ماه می، دانش‌آموزان اتریش به دو گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه در هر دو هفته پنج روز به مدرسه می‌رود.

بر اساس گزارش نیویورک تایمز که توسط فرارو ترجمه شده، چرخه دو هفته‌ای می‌تواند تعداد بازتولید ویروس را به کمتر از یک نفر کاهش دهد. به عبارت دیگر، میانگین تعداد کسانی که توسط هر فرد بیمار به ویروس آلوده می‌شوند، کاهش می‌یابد. به این ترتیب چرخه ۱۰-۴ می‌تواند بیماری را مهار کند و در عین حال امکان تداوم فعالیت اقتصادی را فراهم کند.

حتی اگر فردی به ویروس مبتلا شد و علائمی نداشت، او هر دو هفته به مدت فقط چهار روز با افراد خارج از خانواده‌اش در تماس خواهد بود نه به مدت ۱۰ روز. این راهبرد اثر مهم دیگری هم دارد: تراکم افراد در محل کار یا مدرسه را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب سرایت ویروس را محدود می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند در دو گروه متناوب، هر دو هفته چهار روز متوالی در مدرسه حاضر شوند و سایر روزها از روش‌های آموزش از راه دور استفاده کنند. دانش‌آموزان می‌توانند در همان روزی که والدینشان سر کار می‌روند به مدرسه بروند.

روایت دوم

داستانِ خطرناک جهش‌های کرونا

در کنار تمام اخبار خوبی که از گوشه و کنار دنیا درباره پیشرفت در زمینه دستیابی به دارو یا واکسن کرونا به گوش می‌رسد، به‌تازگی تحقیقی در انگلیس انجام شده که نشان می‌دهد ویروس جدید کرونا، پس از تجربه جهش ژنتیکی، با انسان‌ها سازگار شده است. امری که ممکن است شیوع آن را سریع‌تر و ساخت واکسنی برای آن را دشوارتر کند!

بر اساس گزارشی که روزنامه « ایندیپندنت» منتشر کرده، تیمی از پژوهشگران دانشکده بهداشت و پزشکی استوایی لندن روی «توالی‌یابی کل ژنوم» (whole genome sequences) در ده‌ها کشور تحقیقاتی انجام دادند. این پژوهشگران پس از تحلیل بیش از ۵هزار و ۳۰۰ توالی‌یابی کل ژنوم در ۶۲ کشور، چندین جهش پیدا کردند که نشان می‌دهند ویروس کرونا به خوبی با انسان‌ها سازگار شده است.

البته احتمالاً می‌دانید که جهش پیدا کردن ویروس‌ها یک امر غیرمعمول نیست. اما محققان نگران هستند که جهش‌های یافت شده در کرونا سبب پیشرفت آن شود چون این جهش‌ها به طور مستقل در ۶۲ کشور رخ داده اند!

محققانی که پژوهش جدید را انجام داده‌اند، از این نکته نگران هستند که جهش‌ها به ویروس کرونا توانایی بیشتری در انتقال از انسان‌ها به یکدیگر داده و در نتیجه، این امر ممکن است کارآمدی واکسن‌ها یا داروهایی را که به منظور مقابله با این ویروس در حال ساخت هستند، تحت تأثیر قرار دهد.

با وجود این، باید این نکته را در نظر بگیریم که تمام این موضوعات در حد نظریه هستند و جهش‌ها در این مرحله، هنوز نادر به‌حساب می‌آیند و معلوم نیست چه تأثیری بر ویروس کرونا خواهند گذاشت. از طرف دیگر، یک پژوهش هم توسط انستیتوی ژنتیک در دانشگاه کالج لندن انجام شده که ۱۹۸ نوع جهش ژنتیکی مکرر در ویروس جدید کرونا را شناسایی کرده است. پژوهشگرانِ این تحقیق، به این نتیجه رسیده‌اند که ویروس‌های جدید کرونا منبع مشترکی از اواخر سال ۲۰۱۹ دارند و این بدین معناست که انتقال ویروس کرونا از حیوان به انسان در همان زمان اتفاق افتاده است.

محققان این پژوهش در مورد جهش‌های جدید کرونا هم می‌گویند:«همه ویروس‌ها به طور طبیعی جهش پیدا می‌کنند. جهش‌ها به خودی خود، چیز بدی نیستند و هیچ دلیلی وجود ندارد که سارس-کوو-۲ سریع‌تر یا کندتر از حد انتظار جهش پیدا می‌کند. نمی‌توانیم بگوییم که آیا سارس-کوو-۲ کشنده‌تر و مسری‌تر شده است یا نه، اما یک چالش بزرگ در شکست دادن ویروس‌ها این است که اگر ویروس جهش پیدا کند، واکسن یا دارو ممکن است دیگر مؤثر نباشد. اگر ما تلاش‌هایمان را روی بخش‌هایی از ویروس که احتمال جهش کمتری دارند، متمرکز کنیم، شانس بهتری برای ساخت داروها خواهیم داشت. داروهایی که در بلندمدت، مؤثر خواهند بود».

روایت سوم

«کاوازاکی» ارتباطی با «کرونا» ندارد

ماجرا از جایی شروع شد که حدود ۸۵ کودک زیر ۱۵ سال در ۹ ایالت آمریکا و همچنین چند کشور اروپایی از جمله ایتالیا، فرانسه و بریتانیا به سندروم کاوازاکی یا سندروم پاسخ التهابی سیستمیک مبتلا شدند.

کاوازاکی یک سندروم است که بیشتر در کودکان زیر پنج سال بروز پیدا می‌کند و در این عارضه دیواره شریان‌ها ملتهب می‌شوند. عروق کرونر از جمله شریان‌هایی است که در بیماری کاوازاکی ملتهب می‌شود. عروق کرونر، همان عضوی است که خون را برای تغذیه به عضله قلب می‌رساند.

پس از انتشار اخباری درباره موج شیوع این سندروم در آمریکا و اروپا، برخی از فعالان مجازی شایعه‌ای را درباره ارتباط کرونا با این بیماری در فضای مجازی راه انداختند.

اگرچه همان ابتدا بسیاری از متخصصان ارتباط میان این دو بیماری را رد کردند اما برخی هم اعلام کردند سندروم جدیدی که در اروپا و آمریکا کشف شده فقط علائمش شبیه به کاوازاکی است و این احتمال وجود دارد که با یک سندروم ناشناخته طرف باشیم که با کرونا هم بی ارتباط نباشد. به همین خاطر سازمان جهانی بهداشت از آغاز پژوهش‌ها به منظور یافتن ارتباط احتمالی میان بیماری کووید۱۹ و بیماری کاوازاکی خبر داد.

تدروس آدهانوم، رئیس سازمان جهانی بهداشت، در کنفرانس خبری روز جمعه این نهاد گفت: «براساس گزارش‌های اولیه تئوری‌هایی مبنی بر وجود ارتباط سندروم کاوازاکی و کووید۱۹ مطرح شده است».

در حال حاضر پزشکان و متخصصان سراسر دنیا برای تحقیق درباره این موضوع به سازمان بهداشت جهانی دعوت شده‌اند.با وجود این، موجی از شایعه‌ها درباره این بیماری در فضای مجازی به راه افتاده و بسیاری از صفحه‌های مجازی بدون پشتوانه علمی اخباری را از در خطر بودن جان کودکان منتشر می‌کنند. محمدحسن اعلمی، عضو هیئت علمی گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد هم پس از بالا گرفتن این شایعه‌ها در فضای مجازی، برای پایان دادن به نگرانی‌های مردم، اعلام کرد: «بیماری شایع‌شده کاوازاکی کرونا در فضای مجازی هیچ ارتباطی با ویروس کرونا ندارد و خطاب به مردم می‌گوییم جای هیچ‌گونه نگرانی وجود ندارد و تنها به توصیه‌هایی که از سوی پزشکان در بحث پیشگیری می‌شود عمل کنند».

حکایت امروز

annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی یونسی

کاش این گونه دوستمان داشته باشند

کنار دیوار حیاط مدرسه بسته‌های سه تایی غذا را چیده بودیم و نماینده هر خانواده که معمولاً هم خانم‌ها هستند، می‌آمدند و بسته غذای نذری را می‌گرفتند و می‌رفتند. تعداد زیادی آمده بودند و داشتیم به پایان توزیع غذا می‌رسیدیم که دو خانم آمدند. سلامی گفتند و حال و احوالی کردند. یکی از آن‌ها بغض کرده بود. شنیدم که یکی از دو خانمی که از طرف خیریه در جمع ما بودند چیزی گفت و لبخندی زد و من بیشتر کنجکاو شدم که بدانم ماجرا چیست و زن چه مشکلی دارد که با بغض آمده است.

رفت و کنار یکی دیگر از خانم‌های مشغول در خیریه روی نیمکت نشست و دومی که جوان‌تر بود ایستاده بود و هر دو چادر به سر. بعد انگار به هم چیزی گفتند و دو خانمی که آمده بودند و من فکر کرده بودم آمده‌اند غذای نذری بگیرند، داشتند آرام گریه می‌کردند و این را از رویی که برگردانده بودند متوجه شدم و از حرف‌هایی که می‌شنیدم. چند دقیقه گذشته و حالا هر چهار خانم ساکت شده بودند. نتوانستم بیش از این جلو کنجکاوی‌ام را بگیرم برای همین علت گریه خانم‌ها را پرسیدم. فکر کردم شاید بتوانم کمکی به حل ماجرا بکنم. یکی از خانم‌ها که در خیریه مشغول است رو به همکار و دوستش کرد و گفت: «چون ایشون رو از خیریه ما منتقل کردن این خانم‌ها ناراحت شدن و آمدن برای خداحافظی».

سکوت کردم. درست مثل دو خانمی که آمده بودند برای خداحافظی و نتوانسته بودند بغضشان را نگه دارند و آرام سرشان را برده بودند زیر چادرشان و ما فهمیده بودیم که گریه می‌کنند.

سکوت کردم و برای یک لحظه فکر کردم چقدر خوب است که برای منتقل شدن یک نفر از شعبه خیریه به شعبه‌ای دیگر آدم‌هایی باشند که گریه کنند. سکوت کردم و کمی هم بغض. این نوع دوست داشته شدن‌ها خیلی خوب است. شاید بگویید لابد منفعت آن دو زن در بودن این دوستمان بوده است اما من فکر می‌کنم منفعت‌طلبی نمی‌تواند آدم‌ها را این‌قدر خوش قلب کند که در انتقال یک نفر بغض کنند.

چند دقیقه دیگر به سکوت گذشت و در این بین چند خانم دیگر آمدند و غذا گرفتند و رفتند و دوباره سکوت برقرار شد و من پرسیدم: «حالا چه فرقی می‌کنه یک نفر دیگه میاد جای ایشون» زنی که جوان‌تر بود و ایستاده بود، گفت: «خانم رزمی دلسوزن و درک می‌کنن». خانمی که ایستاده بود همین مقدار گفت و بعد سکوت کرد و من یک عالمه حرف پشت این چند کلمه دیدم. یادم آمد چند باری را که با او برای شناسایی خانواده‌ها رفته بودیم و یادم آمد بعضی وقت‌ها را که زنگ زده بود و درباره وضعیت خانواده‌ای برایم گفته بود تا برایشان کاری بکنیم و همه آن بارها دیده بودم که چقدر از ته دل دنبال این است که گرهی را از کار خانواده‌ای باز کند و چقدر دلسوزانه مسئولیتی را که به او واگذار کرده‌اند انجام می‌دهد. این فکرها از ذهنم می‌گذشت که زن مسن‌تر گفت: «هم خانم رزمی و هم خانم سلطانی خیلی زحمت می‌کشن هر دو تا دلسوزن. خدا به اینا خیر بده» و دیدم هم زن جوان و هم آن که سن و سالی از او گذشته بود و می‌شد رنج را در نگاه و چهره‌اش دید، چقدر راست و درست می‌گویند. برای لحظه‌ای دوست داشتم جای آن دو خانم باشم که خوبی‌هایم باعث شود دیگران دوستم داشته باشند. به ساده‌ترین شکل، بی‌هیچ پیرایه‌ای و از صمیم دل؛ آن قدر که نبودم بغضی شود در گلویی و اشکی بر صورتی.

روزمره نگاری

دستمال گلدار برای گورکن‌ها

رقیه توسلی: گردگیری راه انداخته‌ام و از این‌ور اتاق هی با تی و سطل، قِل می‌خورم آن‌طرف تا در جنگ غبارهای سمج، کم نیاورم که صدایی می‌شنوم. به طرف صدا برمی‌گردم. انگار یکی از قاب‌های روی میز یله شده روی دیگری. دستکش را درمی‌آورم و می‌روم توی سه کنج.

قاب عکس اوست. زنی ریزمیزه و سردماغ که مهربانی می‌ریزد از چشم‌هایش. روزی که ایشان را میهمان خانه‌ام کردم و نشاندم وسط قاب‌های بلند و کوتاه خانوادگی، برق نگاه «عزیز» دیدنی بود.

هنوز متبسم است. از ۶۰-۵۰ سال پیش تا امروز.

از خودم می‌پرسم: چرا به نمایندگی از عمه‌های نیک روزگار هیچ‌وقت معرفی‌اش نکردم؟ «گوهر دوز» جان را.

عمه مادرم را همه این‌طور خطاب می‌کنند؛ «گوهر دوز». بس که دوزنده قابلی بوده این خانوم. بس که عروسک پارچه‌ای دوخت و توی ولایت خودشان و همجوار گذاشت توی دست آدم‌ها. یکجورهایی تحفه عروسک و نخ-دوخت رنگی چارقد و نازبالشی‌هایش شهرت داشته و سر زبان‌ها بوده انگار.

«عزیز» همیشه می‌گفت: خدابیامرز! لیاقت اسمش را داشت.

«خاله» هم تا پای خاطراتِ خاندانش پیش می‌آید، محال است قربان صدقه پروانه متکاهایش نرود. قربان میراث عمه‌اش. قربان گل و درخت و ابر و دریا دوخت‌های گوهر خانوم!

و «دایی»محترم که از زبانش نمی‌افتد: پنجه طلا بود، شادروان!

قاب هنرمند فامیل را گردگیری می‌کنم و می‌افتم به زمزمه: شما بی‌شک جایت آن‌طرف خوب است... مگر می‌شود کسی این‌طرف را گلباران و عروسک‌باران کند و ۶۰ سال خنده از روی صورتش نپرد و روستا روستا یادش کنند و قشنگ نباشد حالش؟

باشکوه است که ۴۰ سال بعدِ رفتنت هنوز حرف زبان‌ها باشی و نوه‌های اقوام، پُز هنرمندی‌ات را بدهند، پُز زنی را که حتی برای گورکن‌هایش از قبل دستمال صورت گلدار دوخته و کنار گذاشته بود.

واقعاً بعضی از کلمات و جملات مختص برخی آدم‌هاست و بس. مثلاً من وقتی بشنوم از در بیرونش کردند از پنجره آمد، فقط یاد «سارا» می‌افتم... وقتی کسی از واژه غیرمنتظره استفاده کند، جز «علی» بنی بشری به ذهنم خطور نمی‌کند... همین‌طور اگر حرف سوزن و نخ باشد و عروسک، تا ابدالدهر پای شما می‌آید وسط. پای عمه‌ای که همه اقرار دارند هر روز مهربانی‌هایش را می‌دوخته.

۱۲

ادب و هنر

همزمان با تعطیلی نمایشگاه کتاب، فعالیت های مجازی حوزه کتاب رونق گرفته است

ناشران مشغول کارند

۱۰ ۱۱

ورزش

حسین بادامکی در گفت‌وگو با قدس از قهرمانی تاریخی پرسپولیس می‌گوید

قهرمانی مقابل سپاهان شیرین‌تر از برد ۱۰ نفره دربی بود

روزبهانی:

پشت گوشتان را دیدید لیگ بوکس را می‌بینید!

مجازآباد

کووید ۱۹۴۸

در سالروز تأسیس رژیم اشغالگر قدس و همزمانی آن با ایام بحرانی کرونا، کاربران از چند روز پیش هشتگ #covid۱۹۴۸ را در صفحات خود داغ کردند و رژیم صهیونیستی را به ویروسی تشبیه کردند که از ۷۲ سال پیش، مشغول به شهادت رساندن فلسطینیان است. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «روزی با رهبرمان خواهیم آمد و نماز را در بیت‌المقدس خواهیم خواند. آزادی قدس نزدیک است... به زودی خواهیم شنید که: حاج قاسم نبودی ببینی، قدس آزاد گشته، خون یارانت پر ثمر گشته».

قصه حاج اصغر به سر رسید

پیکر شهید، اصغر پاشاپور در اسفندماه گذشته به کشورمان منتقل شد. مراسم تشییع پیکر این شهید بزرگوار اما به دلیل انتظار برای بازگشت سر مطهرش به کشور، حدود دوماه به تعویق افتاد. حالا پس از گذشت دو ماه از ورود پیکر شهید پاشاپور به کشور، خانواده او درخواست کرده‌اند پیکر این شهید مدافع حرم بدون سر دفن شود. به همین دلیل، صبح روز گذشته، پیکر این شهید بزرگوار از خانه‌اش تا حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تشییع شد. کاربران فضای مجازی هم به همین بهانه هشتگ‌های #اصغر_پاشاپور و #آقای_اصغر را در توییتر داغ کردند. یکی از کاربران نوشته است: «حاج اصغر هم به فرمانده بی‌سرش پیوست. ای کاش بگریند از امروز سحر را/ای اهل حرم سیر ببینید پدر را...».

به خاطر ترامپ اشکالی ندارد!

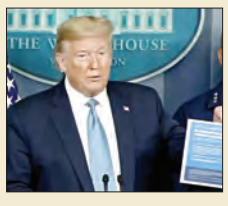

اگرچه چندین هفته از اظهارنظر رئیس جمهور آمریکا درباره تزریق وایتکس به بدن می‌گذرد اما هشتگ‌های مربوط به آن همچنان در توییتر ترند است. جمعی از فعالان مجازی هم در همین راستا از توییتر خواستند هشتگ‌های این موضوع و فیلم اظهارنظر ترامپ را در جهت مبارزه با انتشار اخبار جعلی و شایعات در این شبکه اجتماعی مسدود کند. توییتر هم روز گذشته در اقدامی عجیب اعلام کرد ویدئو منتشر شده از ترامپ جنبه شایعاتی یا مخرب ندارد و نیازی به حذف آن نیست! اما توییتر برای جلوگیری از پخش شدن اطلاعاتی غلط درباره تزریق مواد ضدعفونی به بدن، هشتگ‌های این ماجرا را مسدود کرده است.

آقای وزیر ممنون

کاربران فضای مجازی از روز گذشته کمپینی را برای تشکر از مسئولانی که از ابتدای شیوع کرونا در کشور صادقانه برای ریشه‌کن کردن این بیماری تلاش کردند، در توییتر داغ کردند و فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی از «سعید نمکی» وزیر بهداشت کشورمان به عنوان نماینده مسئولانِ زحمتکش، تقدیر به عمل آوردند. کاربری نوشته است: «درسته با سعید نمکی توی یک جناح نیستیم اما باید اعتراف کنیم به مسئولانی نظیر این مرد، در هر جبهه سیاسی که باشند افتخار می‌کنیم».

اتوئو: مورینیو به من گفت پیراهن شماره ۹ منتظر توست

ورزش: مهاجم پیشین تیم ملی کامرون از مجرای جالب پیوستنش به اینتر سخن گفت. ساموئل اتوئو می‌گوید: «مورینیو به روشی ساده من را برای پیوستن به ترانزوری متقاعد کرد، او برای من پیراهن شماره «۹» اینتر و همراهش این پیغام را فرستاده بود که «این پیراهن تو و منتظر توست». ماترازی سپس به من پیام داد که «اگر تو به اینتر بیایی، ما همه جاهزها را خواهیم برد». کمی بعد از آن هم ماسیمو موراتی، رئیس وقت باشگاه اینتر با من تماس گرفت و به زبان فرانسوی روان گفت «اتوئو، به من اعتماد کن تو اوفات فوق‌العاده‌ای در اینتر داشته و حس در خانه بودن خواهی داشت».

فوتبال ثابت‌می‌کند بازگشت به شرایط عادی امکان‌پذیر است

ورزش: هافبک برزیلی تیم فوتبال چلسی معتقد است که فوتبال می‌تواند به مردم برای بازگشت به شرایط عادی کمک کند. کاسمیرو اظهار کرد: «ارسال گیری بازی‌ها کافی واقعاً مهم نه‌تنها برای فوتبال بلکه کافی مهم برای جامعه هم هست، اینکه به مردم نشان دهیم بازگشت به شرایط عادی امکان‌پذیر است. این تنها درباره فوتبال بازی کردن نیست، بلکه خارج شدن مردم از خانه‌هایشان هم است. من فکر می‌کنم اگر تدابیری که باید از آن‌ها پیروی کنیم را رعایت کنیم، مانیز قادر خواهیم بود این کار (از سرگیری بازی‌ها) را انجام دهیم. کار در خانه اهمیت داشت و ما کارهایی که بلشگاه و کادر فنی از ما خواسته بود را انجام دادیم».

ویلیان: بازیکنان از ایده سرگیری مسابقات ناراحت هستند

ورزش: هافبک برزیلی تیم فوتبال چلسی معتقد است: بسیاری از بازیکنان لیگ برتری تعلیلی به از سرگیری مسابقات در شرایط کنونی ندارند. ویلیان می‌گوید: «صادقانه باید بگویم با توجه به چیزی که می‌بینم، بیشتر بازیکنان برای بازگشت به میادین مسابقه در این مقطع ناراحتند. ما واقعاً به دنبال بازگشت به میادین هستیم و دلمان برای بازی کردن و انجام کاری که عاشقش هستیم، تنگ شده اما باید شرایط برای انجام این کار ایمن شود در حال حاضر بازیکنان از ایده سرگیری مسابقات لیگ برتر ناراحت هستند، مگر اینکه شرایط برای بازی کردن ما کاملاً ایمن شود.

رونی: بونایتد باید فن خال را حفظ می‌کرد

ورزش: مهاجم پیشین شیاطین سرخ معتقد است: منچستریونایتد خیلی زود اقدام به اخراج لوئیز فن خال کرد. وین رونی می‌گوید: «وقتی لوئیز اخراج شد، به هم ریختم... کار با او برای من فوق‌العاده لذتبخش بود. ما باید فن خال را برای فصل سوم حفظ می‌کردیم چون با وجود او می‌توانستیم قوی‌تر شویم. من احساس می‌کردم که ما در حال پیشرفت در برخی موارد بودیم و بازیکنان داشتند دیدگاه او را درک می‌کردند. در طول دو سال کار زیادم فن خال بیشتر از کار با هر خاطر دیگری آموختم. به همین خاطر همیشه قدردان فن خال خواهم بود. نه به خاطر اینکه او من را کاپیتان تیم کرد، بلکه به خاطر تمامی اعتماد و باوری که به من داشت.

ضد حمله

ویلموتس: منتظر رأی فیفا در پرونده تیم ملی ایران هستم

ورزش: سرمربی بازیکنی سابق تیم ملی فوتبال ایران می‌گوید که فیفا به زودی رأی خود را درباره پرونده حضورش در ایران اعلام خواهد کرد. به نقل از اسپورتس، مارک ویلموتس سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران در تازه‌ترین اظهارنظرش درباره فرارندش با ایران گفت: من در ۱۵ نوامبر گذشته با تیم ملی ایران همکاری‌ام به پایان رسید، من به فیفا شکایت کردم و اکنون من حال رسیدگی به پرونده هستیم. منتظر حکم هستم.

اختلاف نظر ایران با AFC بر سر زمان مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا

ورزش: با توجه به تعویق یکساله جام جهانی و موکول شدن این مسابقات به شهریور سال آینده، با وجود اینکه مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا نیز پنج ماه به تعویق افتاده بود ایران تمایل زیادی دارد تا این مسابقات نیز مثل جام جهانی با تعویق یکساله برگزار شود و به بهمن یا اسفند امسال موکول شود. با این حال به نظر می‌رسد کنفدراسیون فوتبال آسیا که پیش از این یک بار زیر بار تعویق این بازی‌ها رفته، تمایل دارد تا پرونده مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا در سال ۲۰۲۰ میلادی بسته شده و در صورت مجبور شدن بازی‌ها را به اثر امسال موکول کند.

قرارداد محرمانه در دسترس

خطر یک «دلال» برای استقلال و احتمال جدایی «دیابانه»

ورزش: در حالی که همچنان افشای اسناد محرمانه استقلال در رسانه‌ها ادامه دارد، باب دیگری در این زمینه باز شد و حالا خبر می‌رسد یکی از مهمترین قراردادهای بازیکن این تیم در دسترس یکی از دلالان ایرانی قرار گرفته است. به گزارش مهر این دلال با دسترسی پیدا کردن به قرارداد شیخ دیابانه و اطلاع از بند بند آن نه تنها برخی از اطلاعات آن را در اختیار دیگران قرار می‌دهد، بلکه در صدد است تا برای مهاجم گلزن استقلال در کشورهای شیخ نشین حاشیه خلیج فارس پیشنهادهای اغوا کننده پیدا کند و با جدا کردن دیابانه از استقلال منافع مالی خود را تأمین نماید و این در حالی است که حتی خود دیابانه هم در جریان این موضوع قرار ندارد.

هشدار «کالچومرکاتو» به ناپولی

«سیمئونه» آزمون را می‌خواهد

ورزش: «کالچو مرکاتو» ایتالیا در گزارشی به وضعیت نقل و انتقالات تیم ناپولی ایتالیا و آینده مبهم این تیم برای قهرمانی پرداخته است. کالچو مرکاتو با اشاره به احتمال جدایی مرتنز از تیم ناپولی نوشت: « دی لورنتیس (رئیس باشگاه ناپولی) در حال یافتن یک گزینه مناسب برای جایگزینی است. این گزینه می‌تواند پسری باشد که «مسی ایرانی» نامیده می‌شود. سردار آزمون مهاجم ۲۵ ساله تیم زنیت سنت پترزبورگ است که به معنای واقعی جیوننلی (مدیر ورزشی ناپولی) را مسحور کرده است. کالچومرکاتو در پایان خبر خود به تیم ناپولی هشدار داد: «پیش بینی می‌شود رقابتی از سوی حریف قدرتمندی - برای جذب آزمون- وجود دارد: دیگو سیمئونه سرمربی اتلتیکو مادرید به شدت طرفدار بازیکن ایرانی است. اگر مرتنز به اینتر برود، ناپولی از قبل جانشین او را انتخاب کرده است.

کنعانی زادگان: مثل بیرانوند از پرسپولیس می‌روم

ورزش: مدافع ملی پوش پرسپولیس با بیان اینکه این تیم مستحق قهرمانی در لیگ برتر است گفت: اگر روزی از پرسپولیس بروم مثل علیرضا بیرانوند خواهم رفت تا سودی هم به باشگاه برسد. محمدحسین کنعانی زادگان در گفتوگو با مهر درباره احتمال بالای از سرگیری لیگ برتر اظهار کرد: من می‌گویم همه بازی‌ها برگزار شود تا هر کس به حقش برسد. قطعاً با توجه به امتیازهایی که جمع کردیم مستحق قهرمانی هستیم و می‌خواهم با پیراهن پرسپولیس جام قهرمانی لیگ برتر را بالای سر ببرم. وی در مورد قراردادش با پرسپولیس نیز تصریح کرد: افتخار می‌کنم سال دیگر هم با پرسپولیس قرارداد دارم. اگر هم بخواهم طبق بندهای قراردادم به پیشنهادی فکر کنم قطعاً به منافع باشگاه فکر می‌کنم. اگر روزی از پرسپولیس بروم مثل علیرضا بیرانوند خواهم رفت تا سودی هم به باشگاه برسد.

احسان پهلوان، نامزد بهترین هافبک لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۱۶

ورزش: کنفدراسیون فوتبال آسیا در ادامه نظرسنجی‌های خود برای انتخاب بهترین تیم منتخب لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۶ دیروز نامزدهای کسب عنوان بهترین هافبک را معرفی کرد. احسان پهلوان، هافبک ذوب آهن به عنوان یکی از ۹ نامزد کسب عنوان بهترین هافبک سال ۲۰۱۶ در لیگ قهرمانان آسیا معرفی شد.

پایان آینده مبهم رضایی

بیات: کاوه را در شارلروا نگه می‌داریم

ورزش: مدیر باشگاه شارلروا بلژیک خبر داد می‌خواهند برای نگه داشتن مهاجم ایرانی خود با باشگاه بروژ وارد مذاکره شوند. مهدی بیات، درباره آینده رضایی عنوان کرد: درباره آینده کاوه با باشگاه بروژ جلسه خواهیم گذاشت تا ببینیم برنامه این باشگاه برای آینده مهاجم ایرانی تیم چیست. وی افزود: رضایی از حضورش در شارلروا خوشحال است اما این را می‌داند که با بروژ قرارداد دارد. تلاش می‌کنیم تا کاوه را برای فصل آینده به صورت قرضی یا دائمی در ترکیب تیم حفظ کنیم.

چک ۷ میلیاردی کارگزار به باشگاه پرسپولیس

ورزش: باشگاه پرسپولیس چک ۷ میلیاردی از کارگزار خود دریافت کرد. در تعطیلی پیش از دوماهه مسابقات لیگ برتر و شرایط به اقتصادی کشور، باشگاه پرسپولیس توانست مبلغ ۷ میلیارد تومان از کارگزار خود دریافت کند. این پول قرار است تا پایان هفته بین بازیکنان و مربیان پرسپولیس تقسیم شود تا با روحیه خوبی دور جدید تمرینات خود را آغاز کنند.

تست کرونا برای بازیکنان لیگ برتری اجباری می‌شود

ورزش: تمامی بازیکنان لیگ برتری تست کرونا خواهند داد. تیم‌های لیگ برتری تا قبل از اینکه بازیکنان آن‌ها تست کرونا انجام ندهند، اجازه آغاز تمرینات خود را نخواهند داشت. این تصمیم قرار است در نشست امروز ستاد مبارزه با ویروس کرونا که در فدراسیون پزشکی ورزشی برگزار خواهد شد، به تصویب برسد. قرار است تست‌های کرونا بازیکنان لیگ برتری زیر نظر فدراسیون پزشکی ورزشی باشد.

کپی برداری از بوندس‌لیگا برای آغاز دوباره فوتبال در ایران

بدون قرنطینه، بدون جشن

ورزش: پس از وقفه دوماهه مسابقات فوتبال در آلمان همانند سایر نقاط جهان به علت شیوع گسترده ویروس کرونا، مسئولان فدراسیون فوتبال این کشور تصمیم گرفتند پس از هفته‌ها برگزاری جلسات منظم با مسئولان باشگاه‌ها با دستور دولت این کشور مجدداً این رقابت‌ها را از سر بگیرند. حالا مسئولان لیگ برتر انگلیس در تلاش هستند تا با بهره گیری از تجربه این کشور در بازگشت به مسابقات بتوانند لیگ برتر را برگزار کنند.

اخبار حاکی از آن است که مسئولان سازمان لیگ ایران نیز تصمیم گرفته‌اند تا برای ادامه لیگ نوزدهم دستورات و مقرراتی که در بوندس‌لیگا اجرایی شده است را در لیگ برتر خلیج فارس پیاده کنند.

ایلنا ادعا می‌کند مسابقات لیگ نوزدهم از ۲۲ خردادماه مجدداً از سر گرفته می‌شود و تیم‌های لیگ برتری به هفته زمان دارند تا تمرینات آماده سازی برای بازگشت به مستطیل سبز را سپری کنند. برخلاف بوندس‌لیگا بازیکنان و کادر فنی و کارکنان باشگاه‌ها دو هفته پیش از برگزاری مسابقات به صورت کامل قرنطینه نخواهند شد اما قرار است یکبار پیش از شروع تمرینات و همین‌طور دو روز قبل از هر دیدار بازیکنان و اعضای کادرفنی باشگاه‌ها تست کرونا را پشت سر بگذارند.

کنفرانس خبری

باتوجه به اینکه فضای مناسب در تمامی ورزشگاه‌ها برای فاصله‌گذاری اجتماعی در نشست‌های مطبوعاتی رعایت نمی‌شود سازمان لیگ در نظر دارد تا این جلسات را به صورت تله کنفرانس برگزار کند و خبرنگاران از طریق برنامه اسکایپ سؤال‌های خود را مطرح کنند تا سرمربیان نیز از طریق ارتباط مجازی پاسخگو باشند.

خبرنگاران

با تصمیم سازمان لیگ و همان‌طور که سناد مبارزه با کرونا در نظر دارد، خبرنگاران حق شرکت در محل میکسزون ورزشگاه‌ها را ندارند و هیچ‌گونه مصاحبه‌ای پس از بازی با بازیکنان نخواهند داشت. با وجود اینکه اصحاب رسانه در نشست خبری و میکسزون ورزشگاه حضور نخواهند داشت اما برای حضور در ورزشگاه و پوشش مسابقات از جایگاه خبرنگاران مشکلی نخواهند داشت. پیش از هر مسابقه با دستگاه تبسنج دمای بدن خبرنگاران کنترل می‌شود و استفاده از ماسک و دستکش برای حضور در جایگاه خبرنگاران الزامی است.

بدون تماشاگر

هر مسابقه رسمی از خردادماه تا پایان لیگ نوزدهم به طور قطعی بدون حضور تماشاگران خواهد بود و مسابقات باید پشت درهای بسته برگزار شود.

نیمکت‌نشینان

تمامی اعضای کادرفنی و بازیکنان نیمکت نشین در ورزشگاه حضور خواهند داشت اما روی نیمکت آن‌ها باید حداقل یک صندلی فاصله باشند. به انتخاب سرمربی برخی از بازیکنان و مربیان روی نیمکت و باقی‌مانده آن‌ها روی سکوهای ورزشگاه آن هم با رعایت فاصله اجتماعی حضور خواهند داشت.

دست دادن ممنوع حتی در برای شادی گل

برای مراسم قبل از بازی نیز در میانه میدان جمع نمی‌شوند و همین‌طور قرار نیست آن‌ها در رویارویی با هم تماسی داشته باشند و بخواهند با دست دادن ارتباط برقرار کنند. مسئله مهمی که در جریان یک بازی هم مورد توجه قرار می‌گیرد، شادی پس از گل خواهد بود. همان‌طور که در بازی‌های روز گذشته بوندس‌لیگا هم اگر تماشا گرد نباشید، بازیکنان نمی‌توانند بدون رعایت فاصله گذاری اجتماعی به شادی پس از گل بپردازند.

استان‌های قرمز و سفید

طبق گفته مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان در جلسه روز گذشته ستاد ملی مبارزه با کرونا پیش از برگزاری مسابقات یعنی حدود ۲۰ خردادماه، جلسه دیگری تشکیل خواهد شد تا طبق آخرین اخبار و آمار از کرونا در ایران برای شروع مجدد لیگ فوتبال ایران آخرین تصمیم گرفته شود. با توجه به اینکه تمامی شهرهای ایران درگیر مبارزه با ویروس کرونا هستند امروز تنها شهر شیراز به عنوان شهر سفید شناخته می‌شود و سایر نقاط قرمز تلقی می‌شود. همین‌طور ۱۴ روز پیش از برگزاری بازی‌ها، سازمان لیگ در نظر دارد تا با شناسایی شهرهایی که وضعیت قرمز دارند تصمیم جدیدی برای میزبانی تیم‌های حاضر در این شهرها داشته باشد.

هشدار باشگاه‌ها به خارجی‌ها؛ به ایران برگردید

استنلی، استوکس و دیاباته بر نمی‌گردند؟

دژاگه در قرنطینه

پیش از این اشکان دژاگه هم به یکی از هم‌تیمی‌های خود گفته بود در صورت شروع تمرینات در این مقطع، به ایران برنخواهد گشت. اما یکی از مدیران باشگاه تراکتور در این باره به خبرنگار ما گفت: دژاگه با اولین پرواز به کشور باز می‌گردد تا در ادامه بازی‌های لیگ برتر تیم تراکتور را همراهی کند. به هر حال پروازهای کشور آلمان به علت شیوع ویروس کرونا لغو شده است و ما پیگیر هستیم که مشکل بازگشت دژاگه را حل کنیم.

کرونا و پول مشکل دیاباته

در این بین ظاهراً خارجی‌های استقلال علاوه بر کرونا برای برگشت با مشکل مالی هم روبه رو هستند. دیاباته رسماً اعلام کرده تا پولش را کامل نگیرد باز نمی‌گردد و استقلالی‌ها در تلاشند ۱۰ هزار دلار پول او را بدهند تا به تمرینات اضافه شود. مبلیغ هم منتظر تسویه حساب کامل است تا به تمرینات برگردد.

استوکس و اواسگوناهی می‌آیند؟

پرسپولیسی‌ها هم با استوکس و اواسگوناهی همین دردسر را دارند. اما داستان بشار و رادشوویچ کمی فرق دارد و احتمالاً آن‌ها بدون دردسر به تمرینات اضافه می‌شوند. در سایر تیم‌ها هم البته احتمالاً مشکل پروازها کمی دردسر آفرین باشد.

تأخیر رخ بدهد.

استنلی: نمی‌آیم

در این میان کی‌روش استنلی، مهاجم برزیلی سپاهان اعلام کرده با توجه به شرایط خاصی که در کشورش دارد و محدودیت‌های سفر و پرواز و مواردی از این دست فعلاً امکان بازگشت به ایران را ندارد و نمی‌تواند خودش را به تمرینات برساند.

استنلی پیش از این هم سابقه تأخیر بازگشت از مرخصی را داشته و در تمرینات پیش فصل سپاهان هم دیر حضور پیدا کرد.

به نظر می‌رسد این بازیکن قصد ندارد در شرایطی که هنوز خطر کرونا احساس می‌شود به ایران برگردد و در تمرینات و مسابقات حاضر شود.

کپی برداری از بوندس‌لیگا برای آغاز دوباره فوتبال در ایران

قهرمانی مقابل سپاهان، شیرین‌تر از برد ۱۰ نفره دربی بود

حسین بادامکی در گفت‌وگو با قدس از قهرمانی تاریخی پرسپولیس می‌گوید

امیرمحمد سلطان‌پور: شاید امروز بیش از سه قهرمانی پیاپی سرخپوشان پایتخت که در آستانه چهارمین آن هستند، طرفداران قرمزپوش به سه موفقیت عادت کرده باشند؛ اما دهه هشتاد آنچنان زمانه خوبی برای پرسپولیسی بودن نبود سال ۱۳۸۷ آن‌ها ۶ سال بود که بهترین رتبه آن که در لیگ کسب کرده بودند سوم بود، پس می‌شود حدس زد کسب این موفقیت بزرگ در دقیقه ۹۶ در آخرین هفته مسابقات با وجود اینکه دچار کسر ۶ امتیاز شده بودند چه لذتی برای آن‌ها داشته است. یکی از چهره‌های پرسپولیس در آن فصل، بازیکن مطرح مشهدی‌ها یعنی حسین بادامکی بود که اتفاقاً در بازی سرنوشت ساز مقابل سپاهان نیز حضور ثابت داشت. به مناسبت سالگرد آن بازی با بادامکی به‌صحبت شدیم که در زیر آن را می‌خوانید.

جو عجیب بازی هفته آخر پرسپولیس مقابل سپاهان هنوز در خاطر بسیاری از هواداران باقی‌مانده؛ از حال و هوای خودت و تیم، قبل از آغاز بازی بگو.

شرایط سختی بود. ما مدت زیادی نبود که با جریمه کسر ۶ امتیاز مواجه شده بودیم و شب و روز قبل از بازی می‌دانستیم که باید حتماً برنده باشیم و یکی از سرنوشت سازترین دیدارهای چند سال گذشته پرسپولیس را در پیش رو داریم. می‌دانستیم که هوادار زیادی به استادیوم خواهد آمد و چیزی کمتر از پیروزی، سبب از بین رفتن روحیه آن‌ها و همه ما خواهد شد.

از تماشاگران پرسپولیس برای آن بازی گفتی: در طول بازی و اینکه اوضاع تا آخرین دقایق آن طور که باید پیش نمی‌رفت نگران فشار منفی آن‌ها نبودی؟

این نکته همیشه وجود دارد که در چنین بازی‌هایی با وجود اینکه هوادار پرشمار می‌تواند انگیزه بخش باشد اما همان‌طور که گفتید ممکن است اگر اوضاع خوب پیش نرود، نتیجه عکس داده و شاید شروع به اعتراض بکنند و فشار بیشتری به بازیکنان منتقل کند. اما خدا را شکر این اتفاق در آن بازی نیفتاد و هواداران تا آخرین لحظه ما را تشویق می‌کردند. همین به ما قوت قلب می‌داد که سبب شد تا آخر بازی آرامش خودمان را حفظ کنیم و در دقیقه ۹۶ گل قهرمانی را به ثمر برسانیم.

افشین قطبی در کل فصل صحبت از قلب شیر می‌کرد؛ این صحبت‌ها چه نقشی در موفقیت تیم به خصوص در این بازی داشت؟

مسلماً حضور افشین قطبی روح تازه‌ای به پرسپولیس داده بود. شاید در مصاحبه‌ها و کنفرانس‌های خبری بیشتر جنبه‌های انگیزشی و روحیه دادن او مشخص می‌شد اما از لحاظ تاکتیکی نیز تغییرات زیادی در تیم ما به وجود آورده بود. البته نباید فراموش کنیم که در آن فصل حمید استیلی و کاشانی هم نقش ویژه‌ای در موفقیت پرسپولیس ایفا کردند. نقش آن‌ها بیشتر از لحاظ انتخاب بازیکنان جدید برای پرسپولیس بود که سبب شد ترکیب بسیار بهتر و یک دست‌تری را شاهد باشیم. بازیکنان از لحاظ اخلاقی هم خیلی خوب انتخاب شده بودند و از لحاظ نزدیکی و اتحاد شرایط بسیار خوبی داشتیم. اما قطبی شخصیتی ویژه بود. او در بین دو نیمه بازی با سپاهان در حالی که بازی مساوی بود و از قهرمانی دور بودیم، صحبت‌های دلگرم کننده‌ای برای ما داشت و از لحاظ روحی و روانی برای نیمه دوم سرنوشت ساز ما آماده کرد.

سپاهان هم در آن فصل تیم توقف ناپذیری به نظر می‌رسید و مزه پیروزی بر آن‌ها مسلماً برای شما دو چندان بود.

بله شرایط سپاهان واقعاً خوب بود. آن‌ها از لحاظ مهره و کادرفنی تیمشان را جوری بسته بودند که واقعاً می‌خواستند قهرمان بشوند. آن‌ها در چهار فصل قبل جام حذفی سه بار قهرمان شده بودند و این دفعه می‌خواستند قهرمانی در لیگ را تجربه کنند. اما هفته آخر نشان دادیم که ما بیشتر قهرمانی را می‌خواهیم.

پس از گل سپهر حیدری شرایط بازی از کنترل خارج شده بود و حتی مراسم قهرمانی نیز تحت تأثیر قرار گرفت.

قابل درک بود. پرسپولیس پس از سال‌ها قهرمانی را بدست می‌آورد و نه تنها بازیکنان بلکه هواداران نیز حس و حال متفاوتی را نمی‌فهمیدند. تعداد زیادی تماشاگر به زمین آمده بود و بازی هم از کنترل داور خارج شده بود. همین سبب شد که جشن قهرمانی هم تحت تأثیر قرار بگیرد. اما من در کل با آن مشکلی نداشتم. آن شرایط جشن قهرمانی با حس و حالی که همه ما داشتیم شبیه بود، و سبب شده بود جشنی احساسی را تجربه کنیم.

تو تجربه پیروزی در آن بازی خاص مقابل استقلال را هم داشتی که پرسپولیس تا ۱۰ دقیقه آخر با یک یار کمتر ۲برصفرعقب بود و در نهایت به پیروزی رسید. تجربه این پیروزی در دربی شیرین‌تر بود یا قهرمانی؟

آن بازی با استقلال واقعاً شیرینی خاص خودش را داشت. به خصوص پس از اینکه این پیروزی را با کامبک و در حالی که ۱۰ نفره بودیم بدست آوردیم. اما مسلماً قهرمانی برای من ارزشش بیشتر بود چون برای هر بازیکن قهرمانی در لیگ است که حرف اول را می‌زند.

آن فصل شاهد تقابل با ابوسملم هم بودیم؛ تیمی که تو را به فوتبال ایران معرفی کرده بود و اتفاقاً فصل بسیار خوبی را پشت سر می‌گذاشت.

مسلماً بازی مقابل ابوسملم برای من احساس خاصی را به وجود آورده بود. ابوسملم یکی از بهترین تیم‌های ایران را در اختیار داشت و در پایان فصل هم رتبه چهارم را بدست آورد. آن‌ها در بازی برگشت در تهران در آستانه شکست ما بانتیجه ۳برصفر بودند اما در نهایت بازی را مساوی کردیم. اما هنوز سختی بازی مقابل این تیم را چه از لحاظ فنی و چه احساسی فراموش نکرده‌ام.

آن فصل به نظر می‌رسید سکوی پرتاب تو به سمت موفقیت‌های بیشتر باشد؛ چرا این اتفاق نیفتاد؟

چندین اتفاق دست به دست هم داد که بیشتر بدشانسی بود. فصل بعد از آن مصدومیت‌های پیاپی را تجربه کردم، همچنین قطبی رفت و حضور وینگارا برای من اصلاً خوب نبود. او به فوتبال من اعتقادی نداشت و سبب شد نتوانم آن‌گونه که باید و شاید اوج بگیرم. سال بعد از آن هم با دسته‌ای از هواداران پرسپولیس به مشکل برخورد کرده بودم؛ پرسپولیس در مجموع خوب کار نمی‌کرد و خوب نتیجه نمی‌گرفت و من هم به خاطر تغییر پست از هافبک هجومی به دفاعی، بازی که می‌خواستم را نمی‌توانستم ارائه دهم. آن‌ها به دلیل یک قربانی می‌گشتند و من گزینه مناسبی برای آن بودم.

بعد از آن شروع موفق در تیم ملی و حتی گلزنی در بازی اول قبل داری که نتوانستی آنچنان دوران موفقی را سپری کنی؟

من به آن چیزی که در فوتبال می‌خواستم نرسیدم. از خود و توانایی‌هایم توقع بیشتری داشتم اما چندین اتفاق دست به دست هم داد تا این اتفاق نیفتد. از مصدومیت‌های بد موقع یا کار کردن با مربیان نامناسب و انتخاب باشگاه‌هایی که در آن بازی کردم همه در این اتفاق سهیم بود.

خروج از پرسپولیس و رفتن به ملوان و پدیده هم کمک زیادی به تو نکرد.

انتخاب ملوان یکی دیگر از اشتباهاتم بود. شاید از لحاظ زندگی در انزلی شرایط خوبی داشتم اما از لحاظ فوتبالی انتخاب خوبی برایم نبود. بعد از آن به مشهد برگشتم و در پدیده بازی کردم در دسته اول که آن هم اصلاً خوب پیش نرفت و کلا پنج، ۶ هفته بیشتر در آنجا دوام نیاوردم. حتی بعد از آن که به صبا رفتم و در آنجا جا افتاده بودم اما به خاطر مشکلات مالی زیادی که باشگاه داشت باز هم شرایط آن چیزی نبود که می‌خواستم.

همین بد به مشهد برگشتی؛ به نظرت تجربه مجدد با پدیده خوب بود؟

این‌بار شرایط در پدیده خوب بود که البته خوب تمام نشد. برخی در این باشگاه بودند که نمی‌خواستند من در آنجا حضور داشته باشم. البته تیم مشهدی بعدی یعنی سایه‌امگان شرایط را برای روزهای خوب برگشتن من فراهم کرد اما این باشگاه هم محنث شد. بعد از این فقط در مشهد می‌خواستم باشم اما گزینه فقط پدیده بود و نمی‌خواستم تحت هر شرایطی به این باشگاه برومم، به خاطر همین با اینکه فکر می‌کنم می‌توانستم فوتبالم را ادامه دهم اما ترجیح دادم که خداحافظی کنم.

در نخستین پست مدیریتی خودت هم بدشانس بودی؛ این بار به خاطر کرونا!

بله من فقط دو ماه رئیس هیئت فوتبال مشهد بودم و الان سه ماه است که همه چیز تعطیل شده است! البته امیدوارم هرچه زودتر شرایط به حالت عادی برگردد چون بدون فوتبال واقعاً زندگی سخت است. فوتبال در همه ابعاد کمک زیادی می‌تواند به جامعه ما داشته باشد اما فعلاً فقط برای بازگشت به شرایط عادی باید امیدوار باشیم.

چه شد که این سمت را قبول کردی؟ مسلماً بسیاری از نزدیکانت قبل از این تصمیم، به خاطر سختی این کار به تو اخطار داده بودند.

دقیقاً بسیاری از دوستان و آشنایان به من توصیه کردند به خاطر کمبود امکانات و سختی‌هایی که وجود دارد این سمت را قبول نکردم اما برای من کار سخت جذابیت بیشتری نسبت به کار آسان دارد. در همان مدت، به آن چیزی که در آنجا بودم متوجه شدم که کار بسیار سختی در پیش رو دارم. با وجود این همه جمعیت و علاقه مند، و اینکه از لحاظ امکانات در بدترین شرایط هستیم و حتی زمین و سالن مناسب برای ارائه نداریم، مسلماً موانعی برای کار است. اما با همه این‌ها به این کار حس خوبی دارم و امیدوارم بتوانم شرایط را بهتر از قبل کنم.

روزبهانی: پشت گوشتان را دیدید لیگ بوکس را می‌بینید!

ورزش: کاپیتان تیم ملی بوکس ایران گفت: لیگ بوکس در رشد این رشته می‌تواند تأثیر بسیار زیادی داشته باشد و فدراسیون در تلاش برای راه‌اندازی آن است، اما متأسفانه این موضوع همانند آن است که بگویم هرگاه پشت گوشتان را ببینید لیگ بوکس را هم می‌بینید.

جانی نداشتم

احسان روزبهانی درباره شرایط فعلی خود با توجه به تمرینات در روزهای قرنطینه و تعطیلی بیشتر باشگاه‌های ورزشی به خاطر شیوع ویروس کرونا، توضیح داد: از همان روزهای ابتدایی سعی کردم روزی یک نوبت تمرین داشته باشم تا خیلی دچار افت بدنی نشوم. متأسفانه برای رقابت‌های انتخابی المپیک قاره آسیا در اردن خیلی وزن کم کردم و واقعاً جانی برای مبارزه نداشتم. البته حریفم هم خیلی قد بلندتر از من بود و این موضوع هم بسیار تأثیرگذار شد. بوکسوری که او به باختم و سوم شد ۲۰ سانت از من بلندتر بود و مشتزنی هم که او را برد، چپ گارد بود که توانست مقابلش پیروز شود وگرنه از همه حریفان قد بلندتر بود که کار را سخت می‌کرد. این طی‌بوش بوکس ایران در پایه‌ها به این پرسش که آیا تصمیم خودش بود که ورزش را پایین بیاورد یا تنها به اصرار کادرفنی این کار را کرد؟ توضیح داد: من در مسابقات جام مکزان خودم را به ۹۱ کیلوگرم رساندم و این انتخاب پس از مسابقات جام مکزان رخ داد که وزنم را ۱۰ کیلو کم کرده و از ۹۱ به ۸۱ کاهش دادم. متأسفانه نمی‌دانستم که در سال بایت تنها یکبار وزن کم کنم و این موضوع مشکل ساز شد. اگر در همان وزن ۹۱ کیلو مبارزه می‌کردم مطمئنم که سهمیه المپیک را کسب می‌کردم.

لیک بوکس؟ هرگز

دارنده مدال برنز بوکس آسیا، درباره برگزاری احتمالی مسابقات لیگ برتر بوکس نیز گفت: برگزاری رقابت‌های لیگ برتر بوکس همان موضوع پشت گوشت را دیدی فلان چیز را می‌بینی است. لیگ بوکس بسیار می‌تواند به رشد این رشته کمک کند. اما هیچ‌کس به صورت جدی در پی برگزاری آن نیست. وی در پاسخ به این پرسش که در صورت برگزاری لیگ در این مسابقات حاضر می‌شود؟ اظهار کرد: شما به من تیم نشان دهید من عضو می‌شم. هنوز هیچ چیز مشخص نیست و تنها صحبت‌هایی مطرح شده است، اما قطعاً من هم دوست دارم در لیگ حاضر شوم.

عملکرد فدراسیون

کاپیتان تیم ملی بوکس ایران در مورد عملکرد فدراسیون نیز گفت: از تلاش‌های عوامل فدراسیون باخبرم و آن‌ها همه تلاش خود را می‌کنند تا شرایط خوب پیش برود. عملکرد فدراسیون رضایت‌بخش است چون از بوکسورهای خود حمایت می‌کند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا همچنان با اسپانسر شخصی خود قرارداد دارد؟ تصریح کرد: واقعاً از آقای تقوی به عنوان مدیرعامل باشگاه که اسپانسر بنده شد تشکر می‌کنم. واقعاً اگر اسپانسر شخصی من نبود، بازگشتی به ورزش نداشتم و دلیل اصلی بازگشتم به ورزش حامی مالی شخصی‌ام بود.

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
سیناحسینی

چوب «انتقادهای گارازی» لای چرخ فوتبال

فعالیت فوتبالیست‌های خاتمه‌شین استقلال و پرسپولیس در فضای مجازی به معرکه برای هواداران فوتبال ایران تبدیل شده تا حدی که برخی فیک نیوزها و پیج‌های فان در دنیای مجازی به واسطه حرف‌های خنده‌دار و بعضاً کمدی آن‌ها بتوانند فالوور و ممبر بیشتری جذب کنند تا به این ترتیب سیستم درآمدزایی خود از راه کسب تبلیغات را افزایش دهند!

اما حرف‌ها و نقطه نظرات این طیف از فوتبالی‌هایی که فوتبالشان تمام شده چه دردی از جامعه فوتبال ایران برطرف می‌کند؟ پاسخ این سؤال به صورت روشن و صریح یک کلام است‌هیچ!

آن‌ها به خیال خود نظراتی کارگشا و ایده آل مطرح می‌کنند اما در واقع نظرات آن‌ها بیشتر استوار براحساس است تا منطق.

البته آن‌ها بیشتر به دنبال موج سواری یا اظهارنظرهای پوپولیستی و هوادارپسند هستند. هرچند در میان این طیف افرادی هستند که با طرح برخی انتقادات هدفمند به دنبال راهی برای نفوذ به سیستم مدیریتی باشگاه‌ها می‌گردند تا بتوانند از این طریق صاحب مسئولیت و درآمدی مستقیم شوند.

رفتارهای منفعت طلبانه این افراد معمولاً از دید هواداران استقلال و پرسپولیس پنهان می‌ماند اما برخی انتقادات که اختلاف‌ها شدت می‌گیرد و کار به افشاگری می‌رسد کاشف به عمل می‌آید که ستاره دیروز و دلسوز امروز بیشتر به دنبال بزینس و تجارت است تا دفاع از جایگاه واقعی باشگاه مدعوی‌اش.

ریشه این گونه رفتارها کجاست؟ صاحبنظران براین باورند که مدیریت ناکارآمد حاکم در فوتبال ایران بدون در نظر گرفتن سیستم‌های روز مدیریتی بیشتر به دنبال تقویت تیم و باند خود هستند تا زور مبادا با کمک گرفتن از آن‌ها بتوانند از

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
آرش شفاعی، شاعر و روزنامه‌نگار

غفلت از «سنت مناجات» در شعر معاصر

یکی از جلوه‌های زیبای شعرفارسی، ابراز بندگی‌های خالصانه شاعران فارسی‌زبان در طول تاریخ به پیشگاه آفریننده است.

در طول تاریخ شعر فارسی، سنتی نیکو برقرار بوده که شاعران کتاب خود را با مناجات و ذکر خداوند آغاز می‌کرده‌اند، سپس به مدح پیامبر و صحابه (در دوران استقرار تشیع در ایران، مدح ائمه(ع)) می‌پرداخته‌اند و بعد وارد موضوع اصلی کتاب می‌شده‌اند. برخی از جلوه‌های ماندگار شعر در سرزمین ما همین مناجات‌ها بوده است. در قالب‌های مختلف و زبان‌های گوناگون. مثلاً در قالب مثنوی مقدمه ارجمند فردوسی بر شاهنامه (به نام خداوند جان و خرد) و مناجات ابتدای مثنوی لیلی و مجنون (ای نام تو بهترین سرآغاز) در ذهن و زبان مردم فارسی‌زبان ماندگار شده است. در قالب غزل نیز مناجات پرشور حکیم سنایی (ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی) و غزل زیبای سعدی (اول دفتر به نام ایزد دانا) از این نمونه‌هاست.این سنت ارزشمند در شعر معاصر مغفول واقع شده است.

شاید یکی از دلایل مهم در این امر این باشد که شعر معاصر ما تحت‌تأثیر باید و نبایدهایی قرار گرفته که تا سال‌ها به عنوان حکم‌هایی کلی و غیرقابل خدشه مورد توجه همه شاعران بوده است. برخی شاعران معاصر که معیار و سنجه آن‌ها برای شعر «پل‌الوار» و «فردیکو گارسیا لورکا» بود، این معیار را در شعر امروز باب کردند که هر شعری که با آگاهی و قصد قبلی سروده شود، شعر نیست و نظم است. پس به این دلیل فردوسی، نظامی، سعدی و بسیاری از بزرگان و بسیاری از شاهکارهای زبان و ادبیات‌فارسی وارد حیطه نظم شدند و خزعبلات و شعروارههایی که از آن نه حس و حالی و نه معنایی برمی‌آمد، شعر تلقی شدند.

بخش دیگری از این غفلت نیز از آنجا ناشی می‌شد که بنیاد اصلی شعر امروز ایران از شاعران غرب گرفته شده بود و چون مهم‌ترین پایه تفکر این گروه از شاعران، اومانیسم بود، طبیعی بود که خدا و خداباوری در شعر امروز ایران عقب رانده شود.

در دوران پس از انقلاب، بخشی از این حکم‌های کلی از ذهن و زبان شاعران کنار رفت. در این دوران شاهدیم که شعرهای خداباور زیادی سروده شده و شعر آیینی به یکی از استوارترین گونه‌های شعری ما تبدیل شده، اما در این نوع شعر نیز بیشتر از اینکه شاهد سروده شدن مناجات باشیم، شاهد مدح و رثای ائمه(ع) هستیم.

اگرچه این نوع شعرها دارای ارزش معنوی است و باید به سرایندگانش آفرین گفت، ولی همچنان جای خالی مناجات با خدا در شعر امروز ایران خالی است.

در سال‌های اخیر در شعر شاعران جوان مناجات‌های زیبا و شاعرانه‌ای دیده‌ام، اما به نظر می‌رسد همتی لازم است تا این شعرهای پراکنده را در دفتری جمع کند و به صورتی گزیده و قابل استفاده برای مخاطبان شعر امروز منتشر کند تا این مرواریدهای پراکنده کنار هم بنشینند و بر گردن شعر امروز، گردنبندی نفیس از مناجات شاعران امروز با خداوند فروزنده ماه و ناهید و مهر، درخشیدن گیرد.

خبر

گفته‌های یک کتاب‌فروش درباره طرح «بهاره » کتاب

طرح‌های فصلی زمانی برگزار شود که مردم حقوق گرفته‌اند

ایبنا: صمد دستاری، مدیر کتاب‌سرای دیبا در شهر رشت، درباره اهمیت طرح‌های فصلی خرید کتاب عنوان کرد: ما همواره از دوره اول در این طرح‌ها شرکت کرده‌ایم و معتقدم که یکی از طرح‌های تأثیرگذار و مهم فرهنگی در حوزه کتاب به شمار می‌آیند که اثر مستقیم بر فعالان صنف دارد.وی با بیان اینکه اطلاع‌رسانی نکته مهم این طرح به شمار می‌آید، ادامه داد: دست‌اندرکاران اجرای طرح باید سعی کنند حجم بیشتری از مردم از برگزاری طرح مطلع شوند و در این زمینه در گروه‌های مجازی و تلویزیون باید اطلاع‌رسانی شود؛ همچنین تبلیغات تلویزیونی باید در زمان برنامه‌های پربیننده باشد.دستاری همچنین به نکته‌ای درباره زمان برگزاری طرح بهارانه کتاب هم اشاره کرد و گفت: زمان اجرای طرح نکته حیاتی و کلیدی برای ما به شمار می‌آید و مجریان باید بدانند عموماً زمانی طرح باید اجرا شود که مردم حقوق گرفته‌اند و به اصطلاح نقدینگی دارند، نه اینکه وسط ماه باشد و حقوقی نداشته باشندوی در ادامه صحبت‌های خود افزود: برای ما زمان مهم است. اکنون مردم حقوق نگرفته‌اند و کمتر پول دارند؛ چون اواخر ماه است. اگر طرح‌ها بین بیست و پنجم این ماه تا پنجم ماه آینده برگزار شود که نقدینگی بیشتر است و زمان اجرای طرح هم بیشتر شود، قطعاً می‌تواند مؤثرتر باشد.

وی یادآور شد: در سال‌های اخیر قیمت کتاب به دلیل هزینه‌های تولید افزایش زیادی داشته و این موضوع تأثیر زیادی بر کار نشر و کتاب‌فروشی‌ها داشته است و فعالیت کتاب‌فروشان تا حد زیادی تحت‌تأثیر این نوسانات و قیمت‌ها قرار دارد و طرح‌های فصلی کمک خوبی به رونق فعالیت کتاب‌فروشان در این دوره‌ها کرده است.

معاون آموزش و پژوهش بنیاد سعدی خبر داد

استقبال ۱۵ کشور از آموزش غیرهمزمان زبان فارسی

مهر: برگزاری دوره‌های مجازی «روش تدریس زبان‌فارسی به غیرفارسی‌زبانان» با توجه به شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مراکز آموزشی، مورد استقبال فارسی‌آموزان در ۱۵ کشور جهان قرار گرفته است.رضامراد صحرایی، معاون آموزش و پژوهش بنیاد سعدی با بیان اینکه بسیاری از فارسی‌آموزان در کشورهای مختلف از دوره‌های آموزش غیرهمزمان بنیاد سعدی استقبال کرده‌اند، عنوان کرد: ثبت‌نام این دوره مجازی از ۲۵ اسفند ماه آغاز شده و تاکنون مورد استقبال چشمگیری از سوی علاقه‌مندانی در کشورهای ایران، عراق، ترکیه، گرجستان، ژاپن، آلمان، روسیه، اسپانیا، ایتالیا، تونس، لبنان، هند، آرژانتین، مصر و ارمنستان قرار گرفته است.

وی از اصلی‌ترین ویژگی دوره‌های غیرهمزمان روش تدریس زبان‌فارسی را، غیر همزمانی حضور دانشجو و استاد در سامانه عنوان کرد و گفت: محتوای این دوره‌ها به دلیل نوع طراحی، غنی‌تر و باکیفیت‌تر نسبت به دوره‌های همزمان طراحی شده است. صحرایی گفت: تاکنون ۱۴۳ نفر در این دوره ثبت‌نام کردند و ۱۳ نفر به مرحله پایانی رسیده و آزمون داده‌اند که از این تعداد ۹ نفر نمره بالای ۷۰ کسب کرده و موفق به دریافت گواهی‌نامه بین‌المللی بنیاد سعدی شده‌اند.

نیم نگاهی به شیوه آموزش مکاتبه‌ای نقاشی برای کودکان

بازدید از یک نمایشگاه نقاشی پس از ۲۷ سال

ادب و هنر/ مهدی مرادی | این روزها بحث آموزش مجازی نقل محافل علمی است. به مدد ابزارها و روش‌های الکترونیکی، این کار شدنی‌تر شده است، با این همه نهایت آموزش‌ها در فضای‌مجازی متمرکز بر دروس نظری و تئوری است و تدریس دروس عملی و به‌ویژه درس‌های رشته هنر دشوار است و از آن دشوارتر آموزشِ نقاشی! نیم‌نگاهی به یک شیوه آموزشی در تدریس نقاشی آن هم نه در بستر فراهمِ فناوری در زمانه کنونی بلکه به شیوه مکاتبه‌ای در اواخر دهه ۶۰ (حدود ۳۰ سال پیش) شاید بتواند راهگشای آموزش از راه دور باشد و به درک و دریافت ما از این موضوع کمک کند. نام مستعار « مهربان» و سپس «رنگین‌کمان» شاید برای کودکان دیروز که امروز پدرها و مادرهای ۴۰ ساله‌ای برای فرزندانشان هستند، نامی آشنا باشد. مهربان و رنگین‌کمان دیروز که امروز عضو هیئت علمی دانشگاه است بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ افتخار معلمی کودکان را در مرکز آموزش جهاد دانشگاهی هنر دانشگاه تهران و نیز معاونت آموزشی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی را داشته است.

دانشجوی سال اول نقاشی و آغاز آموزشِ مکاتبه‌ای نقاشی

محمدرضا سوداگر امروز۵۳ ساله است و استادیار گروه نقاشی در دانشکده هنر دانشگاه شهید چمران، اما در دوره‌ای که تصمیم گرفت برای بچه‌های روستاها و شهرهای دور و نزدیک ایران آموزش مکاتبه‌ای نقاشی برگزار کند، دانشجوی سال اول نقاشی در دانشگاه هنر تهران بود. در همان سال‌ها نمایشگاهی از نقاشی‌های همین بچه‌ها در دانشگاه هنر تهران به همت ایشان برگزار شده بود.

سال‌ها گذشته است و کودکان ۷ تا ۱۲ ساله‌ای که در آن روزگار نقاشی‌هایشان را در پاکت گذاشتند و به نشانی حوزه هنری تهران پست کردند، امروز مردان و زنانی سی و چند ساله هستند. نمی‌دانم سیداحمد امینی ۷ ساله از رشت و ایمان قزوینیان ۸ ساله از سمنان نقاشی‌های خود را به خاطر می‌آورند؟ محسن نامدار ۹ ساله از ساری چطور؟ آیا این بچه‌ها هنوز نقاشی می‌کنند؟ من نقاشی‌های آنان را در کیهان‌بچه‌ها دیده‌ام. بی‌شک اهمیت پرداختن به حاشیه، متن را غنی‌تر می‌کند و صداهای تازه و کمتر شنیده شده را به مرکز می‌کشاند. آموزش مکاتبه‌ای نقاشی در دوران غیاب اینترنت یکی از خلاقانه‌ترین کارهایی است که یک دانشجوی شیفته نقاشی و دلبسته کودکان و نوجوانان سرزمین خود می‌توانسته انجام دهد. در دهه ۶۰ به یاد دارم که بچه‌ها نقاشی‌هایشان را برای تلویزیون می‌فرستادند. میل به دیده شدن در وجود هر هنرمندی وجود دارد چنان که این هنرمند کودکی کم‌سن و سال باشد.

یک روایت خواندنی

این هم روایت نوشین موسوی که در کیهان بچه‌های شماره ۶۸۵ سال ۱۳۷۲ نوشته است: «آن روز، روز آخر نمایشگاه بود. باران شدیدی می‌بارید، اما با خودم عهد کرده بودم حتماً به دیدن این نمایشگاه بروم. دلم می‌خواست با این تجربه از نزدیک آشنا شوم. وقتی به نمایشگاه- که در دانشگاه هنر برگزار شده بود- رسیدم، اول از همه حرف‌های مسئول نمایشگاه را که به دیوار زده شده بود، خواندم. بعد، حدود ۲۰۰ اسم کودکان۱۲-۷ سال را خواندم که از همه جای ایران نقاشی‌های خود را فرستاده بودند و بعد نگاهی به نقاشی‌ها کردم. نقاشی‌هایی که در آن‌ها همه جور تکنیک و کار به چشم می‌خورد. نقاشی‌هایی با انواع رنگ‌ها مثل آبرنگ، گواش و... تکنیک‌هایی از انواع مختلف مثل کولاژ و کاردستی و از همه مهم‌تر موضوع‌هایی که از هر چیزی می‌توانست باشد. هر یک از نقاشی‌ها نشان می‌داد که نقاش آن قبلاً چه تمرین‌هایی انجام داده تا توانسته چنان نقاشی‌ای بکشد».

برش

سابقه آموزش نقاشی مکاتبه‌ای که موضوع این گزارش است به سال ۱۳۶۷ برمی‌گردد. این شیوه آموزش که بر آموزش نقاشی به کودکان متمرکز است در یک برنامه‌ریزی گروهی، با برنامه‌ریزی و ساماندهی محمدرضا سوداگر تا سال ۱۳۷۱ ادامه داشت

آموزش غیرحضوری یا آموزش مکاتبه‌ای در دهه اول سال ۱۷۰۰ میلادی آغاز شده است. هنوز هم در نقاط مختلف دنیا از جمله در ایران از این شیوه آموزش برای تحصیل و یادگیری استفاده می‌شود. آموزش مکاتبه‌ای که با نامه‌نگاری مدرسه یا مؤسسه‌های واجد شرایط اداره می‌شد و بین دانشجویان و استادان از طریق نامه‌نگاری ارتباط برقرار می‌شد، مورد توجه دانشجویان و دانش‌آموزان بود. همزمان با ایالت متحده آمریکا که در زمینه آموزش از راه دور فعالیت داشت، کشورهای اروپایی دوره‌های آموزش را پیش از سال ۱۸۴۰ به صورت جزوه‌های خلاصه شده آغاز کرده بودند. نخستین دوره آموزش از راه دور دانشگاهی که در سال ۱۸۹۲ تأسیس شد، با اتکا بر اداره پست اداره می‌شد.

در ایران نیز برای نخستین بار در سال ۱۳۵۰ دانشکده‌ای در دانشگاه ابوریحان بیرونی برای ارائه آموزش از راه دور و به طریق «مکاتبه‌ای» شکل گرفت که مقدمات آن از سال ۱۳۴۸ به بعد فراهم آمده بود. این دانشکده که با نام دانشکده مکاتبه‌ای فعالیت خود را در چهار رشته تحصیلی آغاز کرده بود، در هفت رشته تحصیلی شیمی- طبیعی، فیزیک-ریاضی، زبان و ادبیات‌فارسی، آموزش‌وپرورش ابتدایی، اقتصاد و تعاون روستایی، مدیریت خدمات - بانکی (مقطع فوق‌دیپلم) و مدیریت خدمات فنی(مقطع فوق‌دیپلم) به فعالیت خود ادامه داد.

این دانشکده بعداً به تعداد دانشجویان و رشته‌های تحصیلی خود افزود و به دو دانشکده «علوم‌انسانی» و«علوم‌اجتماعی» تفکیک شد. آموزش از راه دور در دانشگاه ابوریحان‌بیرونی، تلفیق مجموعه‌ای از ابزارهای آموزش حضوری و آموزش از راه دور بود. کتاب و مواد چاپی محور اصلی این ابزارها به شمار می‌آمد و در حقیقت اساس آموزش مکاتبه‌ای را تشکیل می‌داد.

در این نظام به منظور ارائه خدمات آموزشی و سنجش آن از مواد و مطالب درسی، کتاب‌ها و مطالب مفید جنبی، آزمون‌های درسی ضمن سال، مواد کمک‌آموزشی، کتابخانه، دفترچه‌های مخصوص مکاتبه با استادان برای رفع اشکالات درسی، آموزش‌های حضوری و امتحانات پایان نیم‌سال تحصیلی استفاده می‌شد. دانشگاه ابوریحان‌بیرونی در سال ۱۳۵۹ به کار خود خاتمه داد. این دانشگاه در خلال سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۰ در مجموع یک‌هزار و ۷۷۹ نفر در مقطع کاردانی و یک‌هزار و ۳۰۵نفر در مقطع کارشناسی دانش‌آموخته داشته است (عظیمی،۱۳۸۶).

سابقه آموزش نقاشی مکاتبه‌ای در ایران

سابقه آموزش نقاشی مکاتبه‌ای که موضوع این گزارش است به سال ۱۳۶۷ برمی‌گردد. این شیوه آموزش که بر آموزش نقاشی به کودکان متمرکز است در یک برنامه‌ریزی گروهی، ابتدا با حمایت جهاد دانشگاهی هنر تهران آغاز و سپس با تغییر و اصلاحات با پشتیبانی معاونت آموزش حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی(سوره) با برنامه‌ریزی و ساماندهی محمدرضا سوداگر تا سال ۱۳۷۱ ادامه داشت. در این برنامه کودکان سراسر کشور در هشت مرحله آموزش مکاتبه‌ای، پس از دریافت برنامه‌ها، کارهای خود را به صندوق پستیِ معرفی شده می‌فرستادند و در هر مرحله پاسخ‌هایی از مربی خود همراه با برنامه آموزشی بعدی به صورت دستنویس دریافت می‌کردند. این شیوه آموزشی که توسط روزنامه‌های کثیرالانتشار اطلاع‌رسانی می‌شد، در روزگار خود در ایران بی‌نظیر بود. در نمایشگاهی که به بهانه آموزش نقاشی مکاتبه‌ای برگزار شد، بیش از ۷۰۰ اثر از بچه‌های سراسر ایران از ازنا و کازرون و خلخال گرفته تا جهرم و میناب و بروجرد نمایش داده شد. در پایان پاسخ «رنگین‌کمان مهربان» - محمدرضا سوداگر- را به یکی از بچه‌ها می‌خوانیم.

«سینا جان سلام

نقاشی‌های خوب تو به دست من رسیدند، از کارهای زیبای تو لذت بردم. خانه‌ها و درخت‌های خوب و باغ باصفایی کشیده بودی. آیا همیشه درختانی را که می‌کشی یک نوع هستند؟خانه‌ها چطور؟ همه سقف مثلثی دارند؟ دفعه بعد پیش از کشیدن نقاشی به اطراف خودت نگاه کن، شاید درختان دیگری با شکل و رنگ دیگری وجود داشته باشد. راستی، سقف خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنی چه شکلی دارد؟ از بزرگ‌ترها که این نامه را برای تو می‌خوانند تشکر کن و اگر توانستی تصویر آن‌ها را برای من نقاشی کن و بفرست.

خدانگهدار به امید دیدار»

گزارش روز

همزمان با تعطیلی نمایشگاه کتاب، فعالیت های مجازی حوزه کتاب رونق گرفته است

ناشران مشغول کارند

ادب و هنر | ویروس کرونا بسیاری از فعالیت‌های کشور را به تعطیلی کشاند، اما برای کتاب و کتاب‌خوانی فرصتی ایجاد کرد تا میان مردمی که با کتاب قهر بودند و یا فرصت مطالعه برایشان فراهم نبود، انس و الفت ایجاد کند. در این بین فروشگاه‌های کتاب بهتر از هر زمانی پا به میدان گذاشتند و با طرح ارسال رایگان، دسترسی به کتاب را برای مخاطبان آسان‌تر و راحت‌تر کردند.

زمان که گذشت زمزمه خبرهای تعطیلی نمایشگاه کتاب هم به گوش می‌رسید و این برای ناشران خبر تهدیدآمیزی به حساب می‌آمد؛ نه از آن جهت که کمبودهای مالی خود را در این نمایشگاه می‌توانند جبران کنند بلکه فرصت ارتباط مستقیم با مخاطب را از دست می‌دادند. این مسئله موجب شد ناشران هم به این فکر کنند تا با انجام فعالیت‌های متفاوت، خلأ تعطیلی نمایشگاه امسال را پر کنند.

در این گزارش به فعالیت‌های مجازی چند نشر می‌پردازیم تا مخاطب با آشنایی از این روش‌ها به آسانی به کتاب‌هایی که شامل تخفیف شده است، دسترسی پیدا کند و بخواند. این تخفیف‌ها هم شامل طرح بهارانه کتاب و هم شامل پویش‌های متفاوتی که ناشران در فضای‌مجازی همزمان با تعطیلی نمایشگاه کتاب ایجاد کرده‌اند، است.

۱۵ کتاب که باید در ماه رمضان خواند

«شکوه امر خدا» نام پویشی است که توسط جمعی از ناشران، مراکز پخش و کتاب‌فروشان معتبر سراسر کشور همزمان با ایام ماه مبارک رمضان در حال اجراست. در این طرح ۱۵ کتاب برگزیده از ناشران مختلف برای مطالعه در این ماه عزیز معرفی و عرضه می‌شود. در این پویش سعی شده کتاب‌های منتخب و برگزیده، مرتبط با ماه رمضان و مناسبت‌های این ماه الهی باشد.لازم به ذکر است، در این طرح که همزمان با ایام بهارانه کتاب است کتاب‌های منتخب با تخفیف ۲۰ الی ۳۵ درصد در کتاب‌فروشی‌های معتبر سراسر کشور توزیع خواهند شد و علاقه‌مندان می‌توانند از این ظرفیت خوب در سراسر کشور و به واسطه کتاب‌فروشی‌های شهر خود بهره‌مند شوند.فهرست کتاب‌هایی که در این طرح گنجانده شده‌اند، به شرح زیر است. «علی از زبان علی» نوشته محمد محمدیان، نشر معارف/ «شهرخدا» نوشته علیرضا پناهیان، نشر بیان معنوی/ «اسرار ماه رمضان» نوشته محمدتقی فیاض‌بخش، نشر واژه‌پردازان اندیشه/ «روزه دریچه‌ای به عالم معنا» نوشته اصغر طاهرزاده، نشر لب‌المیزان/ «طریق وصال» نوشته دکتر مرتضی آقا تهرانی، نشر برادر شهیدم /«صلح امام‌حسن» نوشته مقام‌معظم‌رهبری، نشر انقلاب‌اسلامی/«پس از ۴۰سال» نوشته

حمید سبحانی صدر، نشر واژه‌پردازان اندیشه/ «حا سین نون» نوشته سیدمهدی شجاعی، نشر نیستان/ «خلوت انس» نوشته حسین ایزدی، نشر شهید کاظمی/ «نماز معراج مؤمن» نوشته حسین ایزدی، نشر شهیدکاظمی/ «چگونه یک نماز خوب بخوانیم» نوشته علیرضا پناهیان، نشر بیان معنوی/«با علی درصحرا» نوشته آیت‌الله حائری‌شیرازی، نشر معارف/«گام‌های سلوک» نوشته حسن قدوسی‌زاده، نشر معارف/ «شب بندگی» گردآوری، نشر عصر/ «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» نوشته ابراهیم حسن بیگی، نشر عهدمانا.

علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب‌ها می‌توانند از طریق مراکز پخش (شهیدکاظمی۰۲۵۳۷۸۴۰۸۴۴)، (فدک ۰۹۱۳۳۱۳۵۳۲۸)، (پاتوق کتاب ۰۲۵۳۱۰۷۷)، (کتاب فردا ۰۲۵۳۷۷۴۶۹۹۲) و یا از طریق مراجعه به کتاب‌فروشان معتبر سراسر کشور اقدام نمایند.

غرفه‌های مجازی «ستاره‌ها» در شهرها

نشر ستاره‌ها تصمیم گرفته همزمان با تعطیلی نمایشگاه کتاب تهران، به کمک شبکه توزیع و کتاب‌فروشی‌ها با شرایط بهتر از نمایشگاه، غرفه این نشر را به شهرهای مختلف ببرد. تخفیف‌های این نشر در نمایشگاه کتاب ۲۰درصد بود، اما در حال حاضر ۲۵درصد است. مخاطب در ایام نمایشگاه باید به صورت حضوری خرید می‌کرد، اما با شرایط فعلی امکان ارسال کتاب برای مخاطب فراهم شده است. شرایط تخفیفی که نشر ستاره‌ها برای مخاطب در نظر گرفته از ولادت امام حسن مجتبی(ع) تا عیدفطر است، یعنی دو برابر زمانِ نمایشگاه کتاب تهران. با عضویت در صفحه اینستاگرام و کانال‌های مجازی این نشر به آدرس @n_setareha می‌توانید کتاب‌های این نشر را در فروشگاه‌هایی که‌طرح‌تخفیفی‌در‌آن‌هابرگزارمی‌شود،خرید‌کنید.

هنرهای تجسمی

پیشنهاد یک هنرمند برای ارائه بهتر آثار هنرمندان

استفاده از نرم‌افزارهای سه‌بعدی در نمایشگاه‌های مجازی

مهدیه قمری | هفته گذشته نمایشگاه مجازی تاپستری فریبا بروفر با نام «بافتن» در کاخ سعدآباد برگزار شد.

تاپستری قدمتی هزاران ساله در جهان دارد و زیرمجموعه‌ای از فایبرآرت یا هنر الیاف است. در هنر معاصر تاپستری شامل انواع گوناگون روش‌ها، تکنیک‌های بافت و به کارگیری مواد گوناگون است که هنرمند برای ارائه اثر از آن‌ها به شکل آزاد استفاده می‌کند.فریبا بروفر دارای مدرک تحصیلی دیپلم مجسمه‌سازی از هنرستان هنرهای زیبای وزارت ارشاد اسلامی، لیسانس گرافیک از دانشگاه الزهرا(س) فوق‌لیسانس تصویرسازی از دانشگاه هنر تهران و از مدرسان دانشگاه آزاد و سوره است.

به گفته این هنرمند شاید نتوان منشأ و مبدأ دقیقی برای هنر «تاپستری» پیدا کرد، زیرا ریشه‌های آن از بافت است و بافتن نیز همیشه در زندگی بشر وجود داشته است. ریشه تاپستری هم از همین بافتن می‌آید، اما از همان زمان و اعصار قدیم هم بیشتر در زندگی سلاطین مورد استفاده بوده و جایی در زندگی مردم عادی نداشته است. شاید بتوان گفت از سال‌های ۱۹۶۰ این روند قدری تغییر پیدا کرد و با نگاه‌های متفاوتی که به آن افزوده شد، مقداری فضای آن به سمت مدرن بودن حرکت کرد تا جایی که می‌توان حتی در آن نخ هم استفاده نکرد. بروفر ضمن بیان این مقدمه در خصوص علاقه‌مندی خودش به این هنر توضیح داد: حدوداً ۵،۴ سالی است که تاپستری را شروع کرده‌ام و دلیل اصلی‌اش هم این بود که بافتنی را به عنوان فعالیتی که منجر به تمدد اعصاب می‌شود دوست داشتم و برایم جذاب بود. ایده اولیه آن هم این گونه شکل گرفت که تصویرسازی‌هایم را ببافم، بنابراین کارهای اولیه‌ام که شامل صورتک و آدمک‌هایی است را بافتم که البته در آن دنیای تصویرسازی خیلی مشهود است. پس از آن کم‌کم دغدغه معماری‌ام شروع شد و به نظرم آمد جالب خواهد بود این هنر با معماری ترکیب شود و در نهایت آثار به وجود آمد. در واقع من در نمایشگاه هایم تاپستری را با موضوع و دغدغه معماری خلق کردم.

ضرورت نرم‌افزارهای سه‌بعدی

بروفر هفته گذشته به دلیل شیوع کرونا نمایشگاه مجازی «بافتن» را برگزار کرده است. این هنرمند با توجه به تجربه برگزاری نمایشگاه آنلاین، در خصوص نواقص برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی گفت: برای برگزاری نمایشگاه آنلاین باید زیرساخت‌هایی برای هنرمندان فراهم باشد که وجود نرم‌افزارهای سه‌بعدی یکی از همین امکانات زیربنایی است.
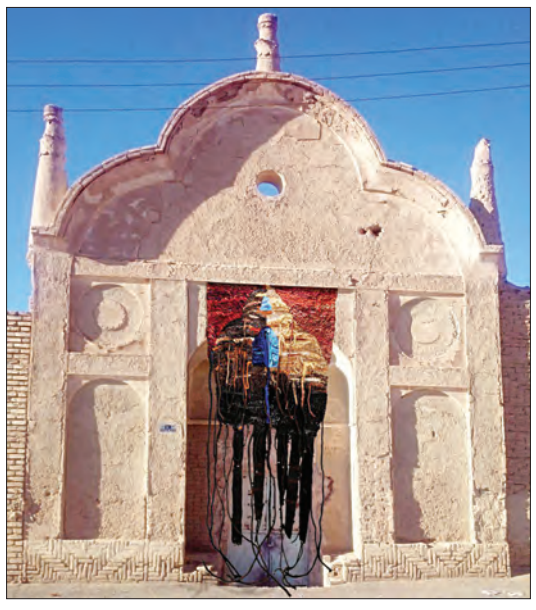
وی افزود: در حال حاضر در بسیاری از موزه‌ها و نمایشگاه‌های مجازی خارج از کشور، از این نرم‌افزار برای دیده شدن بهتر آثار استفاده می‌شود، اما در کشور ما این موضوع به عنوان یک زیرساخت و بستر لازم برای برگزاری نمایشگاه‌های مجازی وجود ندارد. مخاطب وقتی آثار هنری را از نزدیک تماشا می‌کند برای خرید آن تمایل پیدا می‌کند، از سوی دیگر نمی‌توان برخی از آثار هنری همچون تاپستری را مجازی تماشا کرد. در حالی که می‌توان از چیدمان نمایشگاه فیلم گرفت و آن را در سایت نشان داد، زیرا چیدمان در ارائه مناسب آثار نقش مهمی ایفا می‌کند.